

روح شهر

باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص های روحبخش

علیرضا رضوانی*

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، دکترای شهرسازی و کارشناس ارشد معماری

rezvanialireza@yahoo.com

چکیده

شهرها از چند هزار سال پیش در تولد و توسعه تابع عوامل پنج‌گانه؛ جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده اند و روابط این عوامل با شهر بوده که انتظار از شهرها و تعاریف از آنها را رقم زده است. در بررسی تعاریف مختلف ارائه شده از شهر در گذر زمان شاهد یک تغییر عمده نگرش در تعریف شهر از جنبه های اقتصادی و سیاسی به فرهنگی و اجتماعی هستیم. مروری بر تعاریف فضا و فضای شهری این پدیده را محمل مجموعه روابط متعددی می‌داند که در مسیر توسعه و تکامل شهرها تکرر، تنوع و تغییر یافته‌اند. در این میان میزان و کیفیت رابطه انسان با خود و دیگران و انسان با محیط مجموعه ای است که شهرهای جدید و پس از مدرن به غنای آن، تعریف و ارزیابی می‌شوند. شهر پویا، شهر سرزنده و شهر با روح عباراتی است که بعضاً بکار گرفته شده‌اند و حامل پیام‌هایی از زنده بودن شهر نه صرفاً در شباهت به یک موجود زنده چون درخت یا حیوان بلکه در شباهت کم نظیر با انسان و هویت روحانی وی هستند. این پژوهش ضمن بررسی شاخص‌های کیفی که از طرف صاحب نظران ارائه شده است و با تجربه دیدار و مطالعه موردی فضاهای شهری شهرهای متعددی تلاش می‌کند که شاخص‌هایی که زمینه روح بخشی به شهر و فضاهای شهری را فراهم می‌کنند شناسایی نماید. در این فرایند وجود "فضاهای عمومی" و "کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی"، "هویت تاریخی"، و "خوانایی" و نهایتاً "ارتباط با طبیعت" شاخص‌های اصلی روحبخش شهر معرفی می‌شوند که هر یک با مضمون "ارتباط" در فضای شهری غنا می‌یابند.

واژگان کلیدی: عوامل تأثیر گذار، شاخص‌های کیفی، روح شهر، ارتباط، فضای شهری

۱-مقدمه

در برنامه درسی یکی از کلاس‌هایم در گروه شهرسازی با عنوان مبانی شهرسازی تکلیفی به دانشجویان دادم و آن معرفی شهر مشهد با تعداد محدودی عکس بود، دانشجویان مخیل بودند که عکس را از هر مکان و در هر زمانی در ارتباط با موضوع تمرین ضبط کنند. نتایج اولیه بدست آمده از این تلاش بسیار جالب بود. آن‌ها عمدتاً سعی کرده بودند مانع از قرارگیری انسان‌ها و حضور آن‌ها و عناصر متحرک در عکس‌ها شوند. بیان و آرایه شهر و معرفی آن از نظر آنان بیشتر در نمایش عناصری چون ساختمان‌ها، بدنه‌ها، تقاطع‌ها، خیابان‌ها و ... خلاصه می‌شد و برای آن‌ها شهر مجموعه‌ای از این عناصر فیزیکی به شمار می‌رفت. می‌توان سؤال کرد که دانشجویان چطور می‌توانستند انسان‌ها را از متن بیان تصویری یک شهر خارج کنند؟ آن‌ها چرا تا این قدر به حضور و تعامل انسان با این محیط مصنوع بی‌توجه بودند؟

عکس‌العمل دانشجویان در مقابل این تمرین کلاسی، اگرچه غیرقابل قبول ولی کاملاً واقعی بود به دیگر سخن آن‌ها عین دریافت خود را از شهری که در آن زندگی می‌کنند منعکس کرده بودند. در ادراک آن‌ها از شهر، جایی برای انسان‌ها و روابط آن‌ها با یکدیگر و محیط وجود نداشت و در گستره دید آن‌ها فضای عمومی شهری که به خصوص محلی برای تعامل ساکنان شهر با یکدیگر و با محیط شهری است محسوس نبوده یا رؤیت نمی‌شده است.